

زن جوانی که راننده شوهر سارقش شد

مرد سابقه‌دار برای اجرای نقشه سرقت‌هایش، از همسرش که دست فرمان خوبی داشت، به عنوان راننده استفاده می‌کرد.

«ایران» نوشت: چندی قبل مرد جوانی به پلیس رفت و گفت: در حال عبور از خیابان بودم که خودروی پرایدی با سه سرنشین راهم را سد کردند. دو مرد و یک زن سرنشینان خودرو بودند که لباس پلیس به تن داشتند. آنها خود را مأمور معرفی کرده و از من خواستند سوار خودروشان شوم. با تصور اینکه مأمور هستند، سوار خودرو شدم؛ ناگهان در خیابانی خلوت توقف کردند و دو مرد پول‌ها و گوشی تلفن همراه را برداشته و مرا از ماشین به بیرون پرتاب کردند. آن زمان بود که متوجه شدم آنها مأمور قلبی هستند و قصدشان سرقت اموالم بوده است. با شکایت مرد جوان، تحقیقات آغاز شد و در ادامه کارآگاهان پلیس با شکایتهای مشابه مواجه شدند. شکایتهایی که حکایت از آن داشت دو مرد با لباس نیروی انتظامی و شوکر بدست به سراغ عابران رفته و آنها را سوار بر خودرویی می‌کردند که راننده‌اش خانم جوانی بود. تحقیقات پلیسی به دستور قاضی مصطفی تقی‌زاده ادامه داشت تا اینکه مأموران گشت کلانتری متوجه درگیری سه مرد در یکی از خیابان‌های پایتخت شدند. مرد میانسال فریاد می‌زد: شما سارق هستید و مأمور نیستید.

دو مرد جوان با دیدن مأموران پلیس می‌خواستند با خودروی پرایدی که راننده آن زن جوانی بود متواری شوند اما به ناچار پیاده فرار کردند و راننده پراید دستگیر شد.

شاکی میانسال در تحقیقات گفت: در حال عبور از خیابان بودم که خودروی پراید با سه سرنشین مقابلم توقف کرد. آنها خودشان را مأمور معرفی کردند اگرچه لباس پلیس و تجهیزات داشتند اما برایم مشکوک بود چون راننده خودرو زن بود. وقتی از آنها کارت شناسایی خواستم، مخالفت کردند و من هم شروع به داد و فریاد کردم.

زن جوان که دستگیر شده بود نیز گفت: من مسافرکش هستم و امروز متهمان فراری را به عنوان مسافر دربستی سوار کردم. آنها از من خواستند در آن محل توقف کنم و منتظرشان بمانم. من نمی‌دانستم که مسافرانم سارق هستند و از نقشه آنها هم بی‌خبر هستم.

اما وقتی زن جوان با شاکی‌های پرونده‌های قبلی روبه‌رو شد، همه او

را به عنوان همدست سارقان شناسایی کردند.

زن جوان نیز مجبور به اعتراف شد و گفت: شوهرم خلافکار است و بارها به زندان افتاده است. او آخرین بار که از زندان آزاد شد، مرا مجبور کرد به خاطر دست‌فرمان خوبی که دارم در سرقت‌ها همراهش شوم. او با همدستی یکی از دوستانش سناریوی سرقت‌ها را اجرا می‌کرد.

با اعتراف زن جوان، همسر او نیز بازداشت شد و در تحقیقات گفت: اعتیاد به شیشه دارم و از سال 91 وارد کار خلاف شدم. اوایل کابل برق سرقت می‌کردم. 4 سال و نیم از عمرم را در زندان سپری کردم. از زندان که آزاد شدم، افتادم در کار خرید و فروش مواد مخدر تا اینکه سال 96 به اتهام حمل 200 گرم شیشه بازداشت شدم. دادگاه حکم بر 27 سال حبس داد. اما به رأی صادره اعتراض کردم و حکم‌ام شکسته شد. اواسط سال 1402 با وثیقه دو میلیارد تومانی از زندان مرخصی گرفتم. اما بعد از آن دیگر به زندان برنگشتم.

او ادامه داد: این بار با پاتوق قماربازها آشنا شدم و هر شب تا صبح قمار می‌کردم. گاهی برنده بودم و بیشتر مواقع بازنده. در همان محل قمار با همدستم آشنا شدم و او گفت سارق حرفه‌ای است و در پوشش مأمور قلبی از مردم سرقت می‌کند. با اعتراف مرد جوان، تحقیقات برای دستگیری همدست او به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.